

مجله دانش حسابداری / سال سوم / ش ۱۱ / زمستان ۱۳۹۱ / ص ۱۸۱ تا ۲۰۱

تأثیر همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین‌المللی بر سودمندی اطلاعات تلفیقی

فرشاد سبزعلی پور*

چکیده

استانداردهای حسابداری در راستای بالا بردن کیفیت اطلاعات حسابداری و ایفای نقش مطلوب اطلاع‌رسانی حسابداری تدوین می‌شوند. استفاده از استانداردها و ضوابط معتبر در تهیه و ارائه گزارش‌ها، موجب افزایش کیفیت گزارش‌های مالی و در نتیجه سودمندی اطلاعات حسابداری برای استفاده کنندگان می‌گردد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین‌المللی، بر سودمندی اطلاعات تلفیقی است. جامعه آماری تحقیق، کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ عضو بورس اوراق بهادار تهران بوده و صورت‌های مالی تلفیقی تهیه و ارائه نموده‌اند. الگوهای رگرسیونی چند متغیره خطی تحقیق، بر اساس الگوی ارزشیابی و الگوی بازدهی تدوین و فرضیه تحقیق با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته مورد آزمون قرار گرفت. با توجه به تجدیدنظر استاندارد تلفیق در سال ۸۴، الگوهای مذکور در دوره قبل و بعد از سال ۸۴ به طور جداگانه برازش و نتایج برازش آنها با هم مقایسه گردید. نتایج حاصل از آزمون الگوها حاکی از آن است که

* عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام

نویسنده مسئول مقاله: فرشاد سبزعلی پور (Email: F.sabzalipour@mail.ilam.ac.ir)

دریافت: ۹۰/۹/۸ پذیرش: ۹۱/۸/۱۰

همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین‌المللی، بر سودمندی اطلاعات تلفیقی تأثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: سودمندی اطلاعات حسابداری، صورت‌های مالی تلفیقی، الگوی ارزشیابی (قیمت سهام)، الگوی بازدهی، تجدید نظر در استاندارد تلفیق.

مقدمه

تدوین استانداردهای حسابداری در ایران، یکی از رویدادهای مهمی است که از سال ۱۳۸۰ به وقوع پیوسته است. اگر استانداردهای تدوین شده در هر کشور، با شرایط اقتصادی و اجتماعی تطبیق داشته باشد، گزارش‌های تهیه شده براساس آن استانداردها، افزایش سودمندی اطلاعات حسابداری را در پی خواهد داشت؛ بنابراین، پیش‌بینی می‌شود همان‌طور که در مقدمه استانداردهای حسابداری ایران آورده شده است رعایت استانداردهای حسابداری به بهبود اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان و در نتیجه ارائه تصویر مطلوب توسط صورت‌های مالی منتهی شود.

در سال‌های اخیر، در اقتصادهای نوظهور پذیرش کامل یا جزئی استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی به منظور بهبود کیفی استانداردهای گزارشگری و در نتیجه سودمندی اطلاعات حسابداری معمول گردیده است. در بسیاری از کشورها، معرفی استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، از مهمترین رویدادهای گزارشگری مالی برای شرکت‌ها محسوب می‌شود. در حال حاضر، بیش از صد کشور، به سمت پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی حرکت کرده‌اند یا تصمیم دارند در آینده نزدیک، استفاده از آن را الزامی کنند. قانون‌گذاران، انتظار دارند که استفاده از استانداردهای بین‌المللی مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی، کیفیت گزارشگری مالی و شفافیت اطلاعاتی را بهبود و موجب ایجاد منفعت برای سرمایه‌گذاران گردد (داسکی و همکاران، ۲۰۰۸).

مطالعات زیادی، رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری با پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را بررسی کرده‌اند. تحقیقات انجام شده تاکنون، شواهد

متفاوتی درباره این که آیا ارقام حسابداری حاصل از چنین سیستم‌هایی در مقایسه با استانداردهای حسابداری ملی کیفیت بالاتری دارد یا خیر نشان می‌دهد (لیوز و ویسوکي^۲، ۲۰۰۸). نتایج بسیاری از این تحقیقات حاکی از آن است که با وجود تفاوت در محیط قانونی و سازوکار بازار که نقش مهمی در کیفیت اطلاعات حسابداری دارد و موجب تفاوت در اجرای استانداردهای بین‌المللی در کشورهای مختلف می‌گردد، اطلاعات حسابداری در شرکت‌هایی که استانداردهای بین‌المللی را پذیرفته‌اند در مقایسه با کشورهایی که از استانداردهای ملی استفاده می‌کنند کیفیت بهتری دارند (امیر و همکاران^۳، ۱۹۹۳).

با عنایت به توضیحات فوق و این موضوع که استاندارد تلفیق ایران در سال ۸۴ به منظور هماهنگی بیشتر با استاندارد بین‌المللی تلفیق مورد تجدید نظر قرار گرفت، تحقیق حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین‌المللی تلفیق موجب سودمندی اطلاعات تلفیقی گردیده است یا خیر. در اکثر تحقیقات قبلی راجع به سودمندی اطلاعات صورت‌های مالی تلفیقی در ایران از جمله تحقیق خوش‌طینت و نوروزی (۱۳۸۲) و تحقیق شعری و سبزعلی‌پور (۱۳۸۴) که در دوره قبل از تجدیدنظر استاندارد شماره ۱۸ تلفیق انجام شده‌اند، نتایج حاکی از آن است که اطلاعات صورت‌های مالی تلفیقی فاقد ارزش اطلاعاتی برای استفاده کنندگان بوده و در نتیجه سودمند نمی‌باشند. با در نظر گرفتن این نتایج، تحقیق حاضر کمک خواهد کرد تا مشخص گردد که بعد از تجدیدنظر استاندارد تلفیق ایران به منظور همگرایی بیشتر با استاندارد بین‌المللی تلفیق آیا همچنان اطلاعات صورت‌های مالی تلفیقی سودمند نیست یا اینکه تجدیدنظر استاندارد تلفیق موجب بهبود در سودمندی اطلاعات تلفیقی شده است.

مبانی نظری تحقیق

هماهنگ‌سازی با استانداردهای بین‌المللی

استانداردهای حسابداری، مقررات حاکم بر چگونگی انجام کار حسابداری هستند که نشان می‌دهند چه اطلاعاتی در گزارش‌های مالی باید ارائه شود. برای دستیابی به آنچه

به عنوان هدف برای حسابداری بنا نهاده شده است، حرفه حسابداری، استانداردهایی را ارائه نموده که حسابداران و سایر تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی برای ارتقای کیفیت اطلاعات حسابداری و ایفای نقش اطلاع‌رسانی، ملزم به رعایت آنها هستند؛ از سوی دیگر، استانداردهای حسابداری برای کارکرد موثر بازارهای سرمایه ضروری هستند؛ زیرا که تصمیمات مربوط به تخصیص سرمایه به طور فزاینده‌ای بر اطلاعات مالی قابل فهم و معتبر اتکاء می‌کنند.

جهانی شدن و ادغام بازارهای سرمایه در جهان، تقاضای سرمایه‌گذاران را برای مجموعه‌ای جهانی از استانداردهای گزارشگری مالی افزایش داده است. تحقیقات زیادی درباره عوامل تعیین‌کننده پیامدهای تغییر از استانداردهای ملی به استانداردهای بین‌المللی وجود دارد (کینزی^۴، ۲۰۰۲). بحث هماهنگ‌سازی استانداردهای بین‌المللی از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و از آن زمان تاکنون مطالعات زیادی راجع به هماهنگ‌سازی و اجرای استانداردهای بین‌المللی صورت گرفته است. نتایج این مطالعات، حاکی از آن است که پذیرش استانداردهای بین‌المللی از طریق افزایش شفافیت و بهبود کیفیت گزارشگری مالی، باعث ایجاد منافع قابل توجه برای بازارهای سرمایه می‌شود (جهانگیر^۵، ۲۰۰۶).

اصولاً هماهنگ‌سازی، به معنای نوعی توافقی در سطح بین‌المللی است که به منظور جریان مطلوب و قابل فهم‌تر اطلاعات صورت می‌گیرد. موافقان هماهنگ‌سازی، بر این باورند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری موجب کاهش هزینه‌های دستیابی به اطلاعات، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین معامله‌گران داخلی و خارجی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی می‌گردد؛ از سوی دیگر، مخالفان، تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی و نیازهای متفاوت استفاده‌کنندگان را دلایلی بر رد هماهنگ‌سازی می‌دانند و از نظر آنان پذیرش استانداردهای بین‌المللی، لزوماً موجب بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری نمی‌گردد (رحمانی و علیپور، ۱۳۹۰).

کشورهای مختلف سه موضع مختلف را در مقابل پذیرش استانداردهای بین‌المللی اتخاذ کرده‌اند. گروه اول، استانداردهای بین‌المللی را، بدون هیچ گونه کم و کاستی

پذیرفته و رعایت آن را ضروری می‌دانند. گروه دوم، این استانداردها را مبنای کار قرار داده و ضمن تطبیق آن با قوانین و مقررات داخلی، آنها را تعدیل می‌نمایند. بالاخره گروه آخر، بر این باورند که استفاده از استانداردهای بین‌المللی صرفاً برای مقاصد برون مرزی مفید بوده و به علت تفاوت در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تدوین استانداردهای ملی را ضروری می‌دانند. در ایران، گرچه استانداردهای حسابداری بین‌المللی رسماً پذیرفته نشده است؛ ولی مبنای اصلی استانداردهای ملی ایران، استانداردهای حسابداری بین‌المللی است.

اهمیت ارائه صورت‌های مالی تلفیقی

در عصر حاضر، شرکت‌ها با انگیزه‌های متفاوتی با سایر شرکت‌ها می‌پیوندند. در ترکیب‌های تجاری از نوع تحصیل سهام، شخصیت واحدهای ترکیب شونده حفظ گردیده و در نتیجه این شرکت‌ها به فعالیت مستقل خود ادامه می‌دهند. هرگاه در تحصیل سهام، یک شرکت کنترل یک یا چند شرکت دیگر را به دست آورد، یک شخصیت اقتصادی واحد شکل گرفته و در نتیجه ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها، در قالب یک مجموعه صورت‌های مالی مجزا ضرورت پیدا می‌کند.

دلیل نظری ارائه صورت‌های مالی تلفیقی، این است که فعالیت شرکت مادر نمی‌تواند جدا از فعالیت شرکت‌های فرعی مورد ارزیابی قرار گیرد؛ زیرا ارزش بازار شرکت اصلی، تنها تحت تأثیر دارائی‌ها و بدهی‌های شرکت اصلی نیست و کنترل شرکت اصلی بر شرکت یا شرکت‌های فرعی، در تعیین عواید آتی شرکت اصلی و در نتیجه، سود سهام آن، نقش اساسی دارد؛ بنابراین، داده‌های مندرج در صورت‌های مالی تلفیقی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار دهد (آباد و همکاران، ۲۰۰۰). استانداردهای گزارشگری و افشای اطلاعات مالی حاکی از آن است که صورت‌های مالی واحد تجاری اصلی به تنهایی تصویر کامل فعالیت‌های اقتصادی و وضعیت مالی آن را نشان نمی‌دهد؛ به همین دلیل، استفاده کنندگان صورت‌های مالی واحد تجاری اصلی، برای

تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به اطلاعاتی درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان‌های نقدی گروه نیاز دارند. این نیاز از طریق صورت‌های مالی تلفیقی که اطلاعات مالی مربوط به گروه را ارائه می‌کند برآورده می‌شود (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۹۰).

تغییرات اعمال شده در استاندارد شماره ۱۸ ایران

استاندارد حسابداری شماره ۱۸ با عنوان صورت‌های مالی تلفیقی و حسابداری سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری فرعی که در تیرماه ۱۳۸۵ توسط مجمع عمومی سازمان حسابرسی تصویب شده است، جایگزین استاندارد حسابداری شماره ۱۸ قبلی گردید و الزامات آن در مورد صورتهای مالی لازم‌الاجرا شد که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱ و بعد از آن شروع می‌شود. در استاندارد تجدیدنظر شده، هدف از تجدیدنظر هماهنگی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی حسابداری و بهبود استاندارد قبلی، بیان شده است. مهمترین تغییرات اعمال شده در استاندارد قبلی که موجب تغییر عمده در ارقام صورت‌های مالی تلفیقی می‌گردد، به شرح زیر می‌باشد:

۱. در استاندارد تجدیدنظر شده، سهم اقلیت براساس ارزش منصفانه خالص دارایی‌های قابل تشخیص واحد تجاری فرعی در تاریخ تحویل محاسبه می‌شود. در استاندارد قبلی، سهم اقلیت براساس مبلغ دفتری محاسبه می‌شد؛ به عبارت دیگر، در استاندارد قبلی مبنای محاسبه سهم اقلیت، تئوری شرکت اصلی بود، در حالی که در استاندارد جدید، نه بر مبنای تئوری شرکت اصلی است و نه بر اساس تئوری واحد اقتصادی؛ بلکه حالتی بین این دو است.

۲. برای انعکاس سرمایه‌گذاری در واحد تجاری فرعی در صورت‌های مالی جداگانه شرکت اصلی، استفاده از روش ارزش ویژه مجاز نخواهد بود؛ در حالی که در استاندارد قبلی، استفاده از این روش مجاز بود. تأثیر عمده این تغییر آن است که سود خالص و سود انباشته تلفیقی با سودخالص و سود انباشته شرکت اصلی، برابر نخواهد شد، چرا که طبق روش ارزش ویژه سود خالص و سود انباشته تلفیقی با ارقام محاسبه

شده در صورت‌های مالی جداگانه شرکت اصلی برابر است؛ اما در روش بهای تمام شده که در استاندارد جدید استفاده از آن الزامی شده است؛ چنین برابری وجود ندارد.

پیشینه تحقیق

با عنایت به این که موضوع تحقیق حاضر پذیرش (همگرایی) با استانداردهای بین‌المللی حسابداری و بررسی سودمندی اطلاعات تلفیقی است. در این بخش برخی از تحقیقات انجام شده در زمینه موضوع همگرایی با استانداردهای بین‌المللی حسابداری و نیز تحقیقات مربوط به بررسی سودمندی اطلاعات تلفیقی را مرور می‌کنیم.

هرمان و همکاران^۷ (۲۰۰۷) تاثیر همگرایی رویه‌های تلفیق در ژاپن با استانداردهای بین‌المللی را بر خطای پیش‌بینی تحلیل گران مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق، نشان می‌دهد که پس از تغییر در رویه‌های تلفیق در ژاپن در راستای همگرایی با استانداردهای بین‌المللی، سودمندی اطلاعات تلفیقی از طریق بهبود توانایی تحلیل گران مالی در پیش‌بینی عملکرد کلی شرکت افزایش یافته است. کانوگ‌پوم و ساتناری^۸ (۲۰۱۱) با مقایسه سودمندی درآمدها و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به این نتیجه رسیدند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی به بهبود سودمندی اطلاعات منتهی گردیده است. نتیجه تحقیق واین و همکاران^۹ (۲۰۱۱) بیانگر آن است که در کشورهایی که استانداردهای بین‌المللی را پذیرفته‌اند، در مقایسه با آنهایی که استانداردهای ملی را مبنا قرار می‌دهند، محتوای اطلاعاتی سود افزایش یافته است.

چن و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۰) کیفیت حسابداری را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا قبل و بعد از پذیرش استانداردهای بین‌المللی در سال ۲۰۰۵ را با هم مقایسه کردند. نتایج آنان نشان می‌دهد که بعد از پذیرش استانداردهای بین‌المللی اکثر شاخص‌های کیفیت حسابداری بهبود یافته است. بارث و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۸) با استفاده از داده‌های مربوط به ۲۱ کشور ویژگی‌های ارقام حسابداری را برای شرکت‌هایی که استانداردهای بین‌المللی را به کار می‌برند با شرکت‌هایی که این استانداردها را به کار

نمی‌برند، مقایسه کردند. نتایج آنان، بهبود در کیفیت حسابداری بعد از پذیرش اختیاری استانداردهای بین‌المللی را نشان می‌دهد. بارتو و همکاران^۲ (۲۰۰۵) سودمندی سود گزارش شده بر اساس استانداردهای بین‌المللی و اصول پذیرفته شده حسابداری آلمان را در طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۸ با استفاده از الگو بازدهی مقایسه کردند. نتایج آنان نشان داد که سود گزارش شده بر اساس استانداردهای بین‌المللی در مقایسه با اصول پذیرفته شده حسابداری آلمان سودمندی بیشتری دارد.

آباد و همکاران (۲۰۰۰) سودمندی اطلاعات صورت‌های مالی تلفیقی در مقایسه با صورت‌های مالی شرکت اصلی را در بورس اوراق بهادار مادرید بررسی کردند. نتایج نشان داد که اطلاعات صورت‌های مالی تلفیقی در مقایسه با اطلاعات صورت‌های مالی شرکت اصلی سودمندتر است. شعری و سبزعلی‌پور (۱۳۸۴) سودمندی اطلاعات صورت‌های مالی تلفیقی در مقایسه با صورت‌های مالی شرکت اصلی در سال ۸۰ یا ۸۱ بررسی نمودند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که اطلاعات صورت‌های مالی تلفیقی در مقایسه با اطلاعات صورت‌های مالی شرکت اصلی سودمندتر نیست. احمدپور و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی ارتباط بین سود تلفیقی با قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران و ارزیابی سودمندی و اثربخشی تغییرات اعمال شده در استاندارد حسابداری شماره ۱۸ پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق آنان، نشان داد که بین سود تلفیقی هر سهم با قیمت آن ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه تحقیق

با عنایت به سوال تحقیق مبنی بر اینکه آیا همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین‌المللی بر سودمندی اطلاعات تلفیقی تأثیر داشته است یا خیر، فرضیه تحقیق به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه تحقیق: همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین‌المللی بر سودمندی اطلاعات تلفیقی تأثیر معناداری دارد.

روش تحقیق

با عنایت به این که هدف این تحقیق، بررسی تأثیر همگرایی استاندارد تلفیق با استاندارد بین‌المللی بر سودمندی اطلاعات تلفیقی است، نوع تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه توصیفی - همبستگی است که برای بررسی دقیق‌تر تأثیر متغیرها از رگرسیون استفاده شده است. با توجه به این که تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است، نتایج آن می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، سهامداران، تحلیل‌گران مالی، محققان و به ویژه هیئت تدوین استانداردهای حسابداری سازمان حسابداری ایران مفید واقع گردد.

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری تحقیق، کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ عضو بورس اوراق بهادار تهران بوده و صورت‌های مالی تلفیقی تهیه و ارائه نموده باشند؛ به بیان دیگر، قلمرو زمانی دو دوره ۵ ساله ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ (دوره قبل از تجدیدنظر استاندارد) و ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ (دوره پس از تجدیدنظر استاندارد) را در بر می‌گیرد. برای گزینش نمونه‌ای که معرف جامعه آماری باشد، از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک استفاده گردید. بر این اساس، کل شرکت‌های عضو جامعه آماری که دارای ویژگی‌های زیر بودند، به عنوان نمونه انتخاب گردید:

۱. سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
۲. در هر دو دوره (قبل و بعد از تجدیدنظر استاندارد تلفیق) صورت‌های مالی تلفیقی تهیه و ارائه کرده باشند. این شرط، به منظور قابل مقایسه بودن نتایج تحقیق در قبل و بعد از تجدید نظر استاندارد می‌باشد.
۳. اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس باشد.
۴. سهام آنها بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته باشد.
۵. جزء بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند.

با لحاظ کردن این شرایط تعداد ۵۰ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید.

متغیرها و الگوهای تحقیق

در خصوص بررسی سودمندی اطلاعات مالی دو الگو عمده وجود دارد، یکی الگوی بازده است که در آن بازده سهام بعنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود، و دیگری الگوی ارزشیابی (قیمت) است که در آن قیمت سهام بعنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود. در این تحقیق هر دو الگو مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین، متغیرهای وابسته مورد استفاده در الگوهای این تحقیق، قیمت بازار هر سهم شرکت اصلی بعد از تاریخ مجمع (p_{it}) و نرخ بازده در فاصله زمانی بین دو مجمع (r_{it}) می‌باشد. منظور از بازده سهام، تغییرات قیمت اول دوره و آخر دوره سهام به علاوه سایر درآمدهای ناشی از خرید سهم مانند مزایای ناشی از حق تقدم، سهام جایزه و سود نقدی سهام تقسیم بر قیمت سهام در اول دوره است. نرخ بازده سهام از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$R_t = \frac{(p_t - p_{t-1}) + D_t + \frac{(p_t - p_n) \times N_c}{N_t} + \frac{N_e \times p_t}{N_t}}{p_{t-1}} \quad (1)$$

که در آن، R_t ، بازده سهام؛ p_t ، قیمت سهم در پایان سال مالی؛ p_{t-1} ، قیمت سهم در ابتدای سال مالی؛ p_n ، ارزش اسمی سهم؛ D_t ، سود نقدی ناخالص هر سهم؛ N_c ، تعداد سهام افزایش یافته از طریق اندوخته یا سود انباشته؛ N_e ، تعداد سهام از طریق آورده نقدی؛ و N_t ، تعداد سهام قبل از افزایش سرمایه می‌باشد.

متغیرهای مستقل تحقیق نیز از صورت‌های مالی تلفیقی استخراج می‌گردد. در این تحقیق، برای آزمون فرضیه تحقیق، از الگوهای رگرسیونی مبتنی بر رویکرد ارزشیابی و الگو بازدهی هاریس و ایستون^{۱۳} استفاده می‌گردد. در ادامه، این الگوها تشریح می‌گردند.

الف- الگوی ارزشیابی (EBO)

در این الگو، قیمت هر سهم تابعی از متغیرهای حسابداری (سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم) است؛ به همین دلیل این الگو را، الگوی قیمت یا الگوی مبتنی بر حسابداری می‌نامند. این الگو ابتدا توسط پرینریچ^{۱۴} در سال ۱۹۳۸ پیشنهاد شد و بعداً توسط ادوارد و بل^{۱۵} (۱۹۶۱)، ادی^{۱۶} (۱۹۶۲) و پیس نل^{۱۷} (۱۹۸۲) مورد استفاده قرار گرفت؛ اما در ادبیات حسابداری توسط اولسون^{۱۸} (۱۹۹۵) و فلتمن و اولسون^{۱۹} (۱۹۹۵) عمومیت بیشتری یافت (آباد و همکاران، ۲۰۰۰). رابطه ریاضی این الگو به شرح زیر است:

$$p_t = \beta_0 + \beta_1 bv_t + \beta_2 eps_t \quad (2)$$

که در آن، P_t ، قیمت بازار هر سهم شرکت اصلی در زمان t ؛ bv_t ، ارزش دفتری هر سهم تلفیقی در زمان t ؛ و eps_t ، سود هر سهم تلفیقی در زمان t است.

ب- الگوی بازدهی

این الگو که توسط هاریس و ایستون (۱۹۹۱) ارائه شد، ارتباط بین بازده سهام، با متغیر نسبت سود هر سهم به قیمت اول دوره و متغیر نسبت تغییرات سود هر سهم به قیمت اول دوره سهام را نشان می‌دهد.

$$R_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{E_{it}}{P_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta E_{it}}{P_{it-1}} \quad (3)$$

که در آن، R_{it} ، نرخ بازده هر سهم بین تاریخ دو مجمع؛ E_{it} ، سود هر سهم تلفیقی شرکت i در دوره t ؛ ΔE_{it} ، تغییرات سود هر سهم تلفیقی؛ و P_{it-1} ، قیمت هر سهم شرکت اصلی در ابتدای دوره است

در بسیاری از مطالعات قبلی، از این الگو به عنوان مبنایی برای بررسی و آزمون سودمندی اطلاعات حسابداری استفاده شده است؛ به عنوان مثال، آلفرد و همکاران^{۲۰} (۱۹۹۳) از ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) حاصل از برازش الگوی بازدهی هاریس و ایستون برای مقایسه سودمندی اصول پذیرفته شده حسابداری در شش کشور مختلف استفاده کردند. همچنین فرانسیس و اسکپیر^{۲۱} (۱۹۹۹) از تغییر در R^2 و تغییر در ضرایب

نسبت سود هر سهم و نیز نسبت تغییرات سود هر سهم به قیمت اول دوره به عنوان نشانه‌هایی از تغییر در سودمندی اطلاعات صورت‌های مالی در طول زمان استفاده کرد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

کلیه داده‌های موردنیاز با استفاده از نرم‌افزار رهاورد نوین و تدبیرپرداز و نیز بانک‌های اطلاعاتی تهیه شده توسط مرکز اطلاع‌رسانی بورس و اوراق بهادار تهران و سایت اینترنتی شرکت بورس جمع‌آوری گردید. پس از گردآوری داده‌های موردنیاز، از نرم‌افزار اکسل برای طبقه‌بندی و آماده‌سازی داده‌ها و انجام برخی محاسبات و از نرم‌افزار ایویوز و نرم‌افزار مطلب برای برازش الگوها و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

در تحقیق حاضر، برای آزمون فرضیه تحقیق از الگوی رگرسیون خطی چند متغیره به روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده می‌شود. این روش به مشاهدات نزدیک خط برازش وزن بیشتر و به مشاهدات دورتر وزن کمتری می‌دهد و به این ترتیب برآورد دقیق‌تر صورت می‌گیرد. در صورت وجود ناهمسانی واریانس به منظور رفع آن از روش وایت استفاده می‌گردد. به منظور تعیین وجود همخطی بین متغیرهای مستقل از آزمون عامل تورم واریانس (VIF) استفاده می‌شود. در صورتی که مقدار آماره بین ۱ و ۵ باشد، مشکل همخطی وجود ندارد. همچنین احتمال آماره جاکک برا بزرگ‌تر از ۵ درصد است که حاکی از نرمال بودن پسماندهای الگوهای رگرسیون می‌باشد.

در این مطالعه، میزان سودمندی اطلاعات تلفیقی، با استفاده از ضریب تعیین تعدیل شده اندازه‌گیری می‌شود. بر اساس فرضیه صفر، اگر ضریب تعیین دو الگو قبل و بعد از تجدید نظر در استاندارد از نظر آماری با هم تفاوت معناداری داشته باشند، میزان سودمندی اطلاعات تلفیق متفاوت خواهد بود و هر الگوی که ضریب تعیین بیشتری داشته باشد، الگو ارجح خواهد بود و متغیر مستقل آن الگو محتوای اطلاعاتی نسبی بیشتری خواهد داشت. برای بررسی معناداری اختلاف ضرایب تعیین، از آزمون Z کرامر استفاده می‌شود.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

ارزش دفتری هر سهام	بعد از تجدیدنظر در استاندارد			قبل از تجدیدنظر در استاندارد			میانگین میان حداکثر حداقل انحراف معیار	
	تغییرات سود هر سهم	سود هر سهام	بازده هر سهام	ارزش دفتری هر سهم	تغییرات سود هر سهم	سود هر سهم		قیمت هر سهم بازده هر سهام
۲۳۶۱	۴۱	۷۶۰	۳۴	۱۸۸۸	-۱۱۰	۱۱۵۸	۵۵۷۰	۲۴
۲۱۵۴	۳	۶۱۳	۱۳	۱۷۱۷	-۴۰	۸۳۸	۵۵۵۹	۲
۱۸۳۶۰	۵۱۶۰	۶۹۳۹	۴۷/۸	۸۷۵۴	۳۲۸۸	۵۹۶۷	۵۷۱۱۴	۵۸/۳
-۴۸۲۸	-۵۴۹۳	-۵۴۰۰	-۶۹	-۸۱۵	-۴۲۱۸	-۱۱۳۷	۴۲۰	۵۸-
۳۱۳۸	۶۲۱	۱۴۶۴	۷/۱	۱۰۷۷	۱۰۱۰	۱۱۷۹	۱۱۷۹	۱۱/۹

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا آمار توصیفی متغیرها شامل شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی شامل میانگین، میانه، حداکثر، حداقل، و انحراف معیار در دوره قبل و بعد از تجدیدنظر در استاندارد تلفیق در جدول شماره ۱ ارائه گردیده است. به طور کلی، آماره‌های توصیفی نشان می‌دهد که نمونه انتخابی از تنوع زیادی برخوردار است. به عنوان نمونه، آمار توصیفی مربوط به بازده هر سهم در دوره قبل از تجدیدنظر در استاندارد نشان می‌دهد که حداکثر و حداقل بازده هر سهم به ترتیب برابر $۰/۵۸/۳\%$ و $۰/۵۸\%$ - و انحراف معیار آن نیز برابر با $۰/۱۱/۹\%$ است. در خصوص سایر متغیرها نیز در دوره قبل و بعد از تجدیدنظر استاندارد چنین ویژگی وجود دارد که تنوع شرکت‌های انتخابی و در نتیجه قابلیت تعمیم نتایج نمونه به جامعه تحقیق را نشان می‌دهد.

به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای مختلف، همبستگی بین متغیرها به دو روش پیرسون (بالای قطر اصلی) و اسپیرمن (پایین قطر اصلی) در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی پیرسون (اسپیرمن) پایین (بالای) قطر اصلی

ارزش دفتری	سود هر		قیمت	بازده	
	تغییرات سود هر	سود هر			
$۰/۲۲^*$	$۰/۲۷^*$	$۰/۲۸^*$	$۰/۲۳^*$	۱/۰۰	بازده
$۰/۴۹^*$	$۰/۱۲^{**}$	$۰/۷۱^*$	۱/۰۰	$۰/۱۶^*$	قیمت
$۰/۷۰^*$	$۰/۳۴^*$	۱/۰۰	$۰/۵۴^*$	$۰/۲۴^*$	سود هر سهم
$۰/۱۷^*$	۱/۰۰	$۰/۴۷^*$	$۰/۰۷$	$۰/۲۸^*$	تغییرات سود هر سهم
۱/۰۰	$۰/۲۵^*$	$۰/۷۹^*$	$۰/۴۰^*$	$۰/۱۱^{**}$	ارزش دفتری

*، ** در سطح اطمینان ۹۹ و ۹۵ درصد معنادار.

برازش الگوها و نتایج آزمون فرضیه

به منظور دستیابی به نتایج تحقیق، الگوهای ارزشیابی و بازدهی قبل و بعد از تجدید نظر در استاندارد تلفیق یعنی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ (قبل از تجدید نظر) و دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ (بعد از تجدید نظر) برازش گردید. نتایج برازش در جداول شماره ۳ و ۴ ارائه گردیده است.

ضریب تعیین تعدیل شده قبل از تجدید نظر در استاندارد معادل ۱۸/۸ درصد و بعد از تجدید نظر در استاندارد معادل ۵۵ درصد است. با توجه به افزایش ضریب تعیین تعدیل شده الگوی ارزشیابی بعد از تجدید نظر استاندارد (۵۵ درصد) نسبت به قبل از آن (۱۸/۸ درصد) و معنادار بودن این افزایش به لحاظ آماری با توجه به احتمال آماره Z کرامر می-توان نتیجه گرفت که رابطه متغیرهای سود هر سهم تلفیقی (EPS) و ارزش دفتری هر سهم تلفیقی (BV) با قیمت هر سهم قوی تر شده است. با عنایت به اینکه فرضیه تحقیق بدین صورت مطرح گردید که همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین‌المللی بر سودمندی اطلاعات تلفیقی تاثیر معناداری دارد، این یافته‌ها حاکی از تائید فرضیه تحقیق است و می‌توان نتیجه گرفت که همگرایی، موجب بهبود در سودمندی اطلاعات تلفیقی گردیده است.

جدول شماره ۳: برازش الگوی ارزشیابی

بعد از تجدید نظر استاندارد (دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹)			قبل از تجدید نظر استاندارد (دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴)			
آماره VIF	احتمال آماره t	ضریب	آماره VIF	احتمال آماره t	ضریب	متغیر
	۰/۲۷۸	۸۵/۴		۰/۰۰۰	-۶۹/۴	مقدار ثابت
۴/۴۱	۰/۰۲۹	۱/۰۱	۱/۳۲۴	۰/۲۳۹	۱/۰۸	ارزش دفتری هر سهم (BV)
۴/۴۱	۰/۰۴۸	۳/۶۸	۱/۳۲۴	۰/۰۰۰	۳/۱۳	سود هر سهم (EPS)
		۰/۵۵			۰/۱۸۷	ضریب تعیین تعدیل شده
		۹۴/۴۸			۲۶/۸۶	آماره F
		۰/۰۰			۰/۰۰	احتمال آماره F
		۱/۹۷			۲/۰۴	آماره دوربین واتسون
					-۲/۱۰۹	آماره Z کرامر
					۰/۰۳۵	احتمال آماره Z کرامر

با عنایت به جدول شماره ۴، احتمال آماره F حاکی از معنادار بودن کل الگوی رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد در دوره قبل و بعد از تجدید نظر در استاندارد تلفیق است. احتمال آماره t نیز حاکی از آن است که متغیر نسبت سود هر سهم تلفیقی به قیمت اول دوره (EPS/Pt-1) در دوره قبل و بعد از تجدید نظر در استاندارد با متغیر وابسته (بازده هر سهم) رابطه مثبت و معنادار و متغیر نسبت تغییرات سود هر سهم تلفیقی به قیمت اول دوره (ΔE/Pt-1) در دوره قبل و بعد از تجدید نظر فاقد رابطه معنادار با متغیر وابسته است. آماره دوربین واتسون و آماره VIF نیز به ترتیب حاکی از نبود خودهمبستگی و عدم وجود همخطی بین متغیرهای مستقل است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده قبل از تجدید نظر در استاندارد معادل ۲۰/۸ درصد و بعد از تجدید نظر معادل ۲۷/۲ درصد است که این افزایش با توجه به احتمال آماره Z کرامر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. افزایش در ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که رابطه متغیرهای مستقل الگو بازدهی با بازده سهام بعد از تجدید نظر در استاندارد تلفیق قوی‌تر شده است. این یافته‌ها حاکی از تأیید فرضیه تحقیق است و می‌توان نتیجه گرفت که همگرایی موجب بهبود در سودمندی اطلاعات تلفیقی گردیده است.

جدول شماره ۴. برازش الگوی بازدهی

قبل از تجدیدنظر استاندارد (دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴)		بعد از تجدیدنظر استاندارد (دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹)			
متغیر	ضریب	احتمال آماره t	احتمال آماره VIF	ضریب	احتمال آماره t
مقدار ثابت	-۹/۹۸	۰/۵۰۳	۰/۹۳	۰/۰۷۵	
سود هر سهم به قیمت اول دوره (EPS/P _{t-1})	۳۸/۸۸	۰/۰۰۵	۲/۲۵۴	۶۴/۴۹	۱/۴۹۸
تغییر سود هر سهم به قیمت اول دوره (ΔE/P _{t-1})	-۶۰/۹۲	۰/۵۲۴	۲/۲۵۴	۱۴/۵۹	۱/۴۹۸
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۰۸			۰/۲۷۲	
آماره F	۲۱/۱۳			۱۷/۴۱	
احتمال آماره F	۰/۰۰			۰/۰۰۰	
آماره دوربین واتسون	۲/۰۵			۲/۱۲۱	
آماره Z کرامر	-۱/۹۸				
احتمال آماره Z کرامر	۰/۰۱۱				

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این تحقیق، تأثیر همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین‌المللی تلفیق بر سودمندی اطلاعات تلفیق مورد بررسی قرار گرفت. جهت دستیابی به نتایج تحقیق، دو الگوی رگرسیونی چند متغیره که در آنها قیمت سهام و بازده سهام به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد، تدوین گردید. با توجه به همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین‌المللی در سال ۸۴، الگوهای مذکور در دوره قبل از تجدیدنظر (دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴) و بعد از تجدیدنظر (دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹) به طور جداگانه برازش و نتایج برازش آنها با هم مقایسه گردید. یافته‌ها و شواهد تحقیق، حاکی از آن است که در دوره پس از تجدیدنظر استاندارد تلفیق ضریب تعیین تعدیل شده الگوها نسبت به دوره قبل از آن به طور معناداری افزایش یافته که این موضوع بیانگر قوی تر شدن رابطه متغیرهای مستقل الگوها با قیمت سهام و بازدهی است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که همگرایی استاندارد تلفیق ایران با استاندارد بین‌المللی تلفیق بر بهبود سودمندی اطلاعات تلفیقی تأثیرگذار بوده است. این نتایج، با نتایج تحقیق احمدپور و همکاران (۱۳۸۹) و هرمان و همکاران (۲۰۰۷) همخوانی دارد.

باتوجه به این نتایج و اطلاعات جمع‌آوری شده در طول دوره اجرای تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- با توجه به افزایش در سودمندی اطلاعات تلفیقی بعد از تجدیدنظر در استاندارد شماره ۱۸ تلفیق در سال ۱۳۸۴ به منظور همگرایی بیشتر با استاندارد بین‌المللی تلفیق، پیشنهاد می‌شود هیئت تدوین استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی همگرایی بیشتر استانداردهای حسابداری با استانداردهای بین‌المللی را مدنظر قرار دهد. البته با توجه به حساسیت موضوع، پیشنهاد می‌شود که هیئت مذکور برای دستیابی به استانداردهایی که با محیط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور مطابقت دارد با بهره‌گیری از دانش افراد حرفه‌ای و محققان کارآمد کشور مطالعات و تحقیقات تطبیقی گسترده‌ای را در این زمینه انجام دهد.

۲- با توجه به رابطه معنادار سود هر سهم تلفیقی با قیمت سهام و نیز رابطه معنادار نسبت سود هر سهم تلفیقی به قیمت اول دوره با بازده سهام، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در الگوهای ارزش‌گذاری خود، این متغیرها را مدنظر قرار دهند.

۳- اگرچه الگوهای به کار رفته در این پژوهش با توجه به متون معتبر خارجی تدوین گردیده است، به دلیل وجود تاثیر احتمالی برخی متغیرهای غیرمالی نظیر نوع مالکیت، نوع صنعت، اندازه شرکت و متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ بهره، نرخ تورم، سیاست‌های پولی و مالی و ... بر قیمت و بازده سهام محققین اطمینان کامل ندارند که نتایج تحقیق حاضر را بتوان به تاثیر تجدیدنظر در سایر استانداردهای حسابداری کشور بر سودمندی اطلاعات حسابداری تعمیم داد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای به دست آوردن تعبیری روشن‌تر از یافته‌های تحقیق حاضر، شواهد بیشتری از طریق انجام تحقیقات دیگر کسب گردد.

یادداشت‌ها

- | | |
|---------------------------|--------------------------|
| 1. Daske | 2. Leuz and Wysocki |
| 3. Amir | 4. Kinsey |
| 5. Jahangir | 6. Abad |
| 7. Herrmann | 8. Kanogpom and Suntaree |
| 9. Wayne | 10. Chen |
| 11. Barth | 12. Bartov |
| 13. Harris and Easton | 14. Preinreich |
| 15. Edwards and Bell | 16. Edey |
| 17. Peasnell | 18. Ohlson |
| 19. Feltham and Ohlson | 20. Alford |
| 21. Francis and Schipper. | |

منابع و مآخذ

- احمدپور، احمد و دیگران (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین سود تلفیقی با قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران و ارزیابی سودمندی و اثربخشی تغییرات اعمال شده در استاندارد حسابداری شماره ۱۸. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*. س ۲. ش ۷. ص ۱۹-۴.
- رحمانی، علی و شراره علیپور (۱۳۹۰). دیدگاه جامعه حسابداری ایران در مورد پذیرش استانداردهای بین‌المللی. *فصلنامه حسابداری رسمی*. ش ۱۴، ص ۶۱-۵۶.
- شعری، صابر و فرشاد سبزی پور (۱۳۸۴). سودمندی صورت‌های مالی تلفیقی در مقایسه با صورت‌های مالی شرکت اصلی. *مطالعات حسابداری*. ش ۹. ص ۹۶-۶۵.
- کمیته فنی سازمان حسابرسی. (۱۳۹۰). *استانداردهای حسابداری*، نشریه شماره ۱۶۰، سازمان حسابرسی
- Abad, C., Garcia-Borbolla, A., Garrod, N., Laffarga, J., Larran, M. and Pinero. J.M. (2000). An evaluation of the value relevance of consolidated versus unconsolidated accounting information. *21st Annual Congress of the European Accounting Association*.
- Alford, A., Jones, J., Leftusich, R. and Zmijewski, M. (1993). The relative informativeness of accounting disclosures in different countries. *Journal of Accounting Research*, Vol. 31, pp.183-224.
- Amir, E., Harris, T.S. and Venetia, E.K. (1993). A comparison of the value-relevance of U.S. versus Non-U.S. GAAP accounting measures using Form 20-F reconciliations. *Journal of Accounting Research*, Vol. 31, No. 3, pp. 230-264.
- Barth, M.E., Landsman, W.R. and Lang, M.H. (2008). International accounting standards and accounting quality. *Journal of Accounting Research*, Vol. 46. No. 3, pp. 467-498.
- Bartov, E., Goldberg, S.R. and Kim, M. (2005). Comparative value relevance among German, U.S., and international accounting standards: A German stock market perspective. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*. Vol. 20 No. 2, pp. 95-119.
- Chen, H., Tang, Q., Jiang, Y., and Lin, Z. (2010). The role of international financial reporting standards in accounting quality: evidence from the european union. *Journal of International Financial Management and Accounting*, Vol. 21 No. 3, pp. 3-10.
- Daske, H., Hail, L., Leuz, C. and Verdi, R.S. (2008). Mandatory IFRS reporting around the world: Early evidence on the economic consequences. *Journal of Accounting Research*. Vol. 46, No. 5, pp.105-112
- Francis, J. and Schipper, K. (1999). Have financial statements lost their relevance. *Journal of Accounting Research*, Vol. 37 No. 5, pp 31-35

- Herrmann, D., Tatsuo, I. and Thomas, B. (2007). The effect of change in Japanese consolidation policy on analyst forecast error. *Journal of Accounting and public policy*, Vol. 26 No.1, pp 39-61.
- Jahangir A.M. (2006). Disclosure harmonization of accounting practices: the case for South Asia. *Asian Review of Accounting*, Vol. 14, No. 2, pp. 168-86.
- Kanogpom, N. and Suntaree, P. (2011). The impact of country-level vs firm-level factors on the effectiveness of IFRS adoption: The case of European union. *International Business & Economics Research Journal*. Vol. 10, No. 10, pp. 79-93.
- Kinsey, M.C. (2002). Global investor opinion survey on corporate governance, <http://www.mckinsey.com/governance>.
- Leuz, C. and Wysocki, P. (2008). Economic consequences of financial reporting and disclosure regulation: A review and suggestions for future research. *Working Paper*

Archive of SID